

اعجاز تاریخی قرآن

حجت‌الاسلام دکتر سید رضا مؤدب*
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه قم
قاسم شهری*
کارشناس ارشد علوم قرآنی و حدیث

چکیده

قرآن کتاب جاویدان است و جنبه‌های مختلفی از اعجاز را دارد که اعجاز تاریخی یکی از آنها است. از این وجه در آثار دانشمندان مسلمان پیش‌تر با عنوان «اخبار غیبی» یاد شده است؛ در حالی که رابطه اخبار غیبی و اعجاز تاریخی قرآن، عموم و خصوص من وجه است. بسیاری از مواردی که در اعجاز تاریخی قرآن بررسی می‌شود، به امت‌های پیشین و تاریخ انبیاء مربوط است. این جنبه از اعجاز قرآن از این جهت می‌تواند نقشی مهم در روشنگری تاریخ انبیاء و اثبات حقانیت قرآن و دین اسلام داشته باشد. پژوهش حاضر که درآمدی بر اعجاز تاریخی قرآن است دسته‌بندی‌هایی از اخبار غیبی و اعجاز تاریخی قرآن در آثار دانشمندان مسلمان را بررسی و دو دسته اخبار غیبی از اقوام و حوادث گذشته و نیز اخبار غیبی از آینده را بیان و برخی نمونه‌ها را (مثل پیش‌گویی پیروزی روم بر ایران (روم/ ۳-۲) و نام «ملک» در سوره یوسف) ذکر می‌کند.

واژه‌های اصلی: قرآن، اعجاز، اخبار غیبی، اعجاز تاریخی.

قرآن، معجزه‌ای جاویدان است که خداوند برای هدایت بشر فرستاده است (بقره/ ۱۸۵).

قرآن در چند جا (بقره/ ۲۳؛ یونس/ ۳۸؛ هود/ ۱۳؛ اسراء/ ۸۸؛ طور/ ۳۴-۳۳)، اعجاز قرآن را در قالب تحدی به رخ بشر می‌کشد و اعلام می‌کند که اگر در وحیانی بودن قرآن تردید دارید، کتاب یا سوره‌ای مانند آن بیاورید.

اخبار غیبی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز قرآن است که مورد توجه دانشمندان مسلمان قرار گرفته است. مواردی از این اخبار غیبی اخبار و پیش‌گویی‌های تاریخ را بررسی می‌کند که می‌تواند حقیقت و اعجاز قرآن را اثبات کند؛ البته در موضوع مباحث تاریخی قرآن، آثار بسیاری نوشته شده است. برخی در این نگارش‌ها از زاویه یک منبع تاریخی به قرآن نگریسته‌اند (بیومی مهران، دراسات تاریخیه من القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۸). پایان‌نامه‌ای نیز در مقطع ارشد با عنوان اعجاز تاریخی قرآن کریم سامان یافته است (نکونام، چکیده پایان‌نامه‌های قرآنی، ج ۱، ص ۲۷-۲۸؛ مولانی‌نیا و هاشم‌زاده، آشنایی با پایان‌نامه‌های قرآنی، ص ۴۲)؛ اما مباحث بسیاری از این موضوع، قابل بحث و بررسی است؛ زیرا به این بُعد از اعجاز قرآن، به دلایلی، کم‌توجهی شده که یکی از آن‌ها گستره وسیع مباحث تاریخی است که لازمه ورود به آن تسلط بر زبان و منابع اقوام و ملت‌های گوناگون است. این موضوع آن‌گاه رخ می‌نماید که در بررسی و مراجعه به آثار مفسران مورخانی چون طبری، ابن‌کثیر و سیوطی، متوجه کم‌توجهی آنان به این جنبه از اعجاز قرآن می‌شویم (ر.ک. به: طبری، تاریخ طبری؛ و ابن‌کثیر، البدایه والنهایه فی التاریخ؛ سیوطی، تاریخ الخلفاء؛ حسن‌الحاضره فی تاریخ ملوک مصر و القاهره. مباحث تاریخی قرآن را در دو قالب می‌توان بررسی کرد:

الف) پیش‌گویی‌های تاریخی قرآن

ب) قصه‌ها و گزارش‌های تاریخی

داستان‌های انبیا و ملت‌های پیشین نیز داخل در مباحث تاریخی قرآن است و بدین خاطر عده‌ای از آن با عنوان «داستان تاریخی یا مستند» یاد می‌کنند که

تنها به نقل بی‌کم و کاست وقایع تاریخی می‌پردازد (بستانی، پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن، ج ۱، ص ۱۳)؛ البته در مورد اخبار غیبی و اعجاز تاریخی قرآن مطالب زیادی در تفاسیر و کتب علوم قرآن و تاریخ آمده است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

مفهوم شناسی

الف: اعجاز

معجزه در لغت از ریشه «عَجَزَ» به معنی پایان و بن یک چیز می‌باشد (راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۳۴) و در قرآن نیز به همین معنی (قمر/ ۱۹-۲۰) اشاره شده است. صاحب مقایس اللغة این کلمه را دارای دو اصل می‌داند که یکی بر ضعف و دیگری بر انتهای یک چیز دلالت دارد (ابن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۴، ص ۲۳۲).

لغوی نکته سنج شیخ حسن مصطفوی اصل یگانه در ریشه این واژه را به آن چه در برابر قدرت قرار می‌گیرد، باز می‌گرداند، پس «عجز» در انتهای یک چیز بدان علت است که ضعف بر آن غلبه می‌یابد و آن چیز شادابی و تحرک خود را از دست می‌دهد (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ج ۸، ص ۳۸).

با توجه به مطلب مرحوم مصطفوی، به نظر می‌رسد معنای اصلی در این ماده، ضعف است و معانی دیگر، به همین معنا برمی‌گردند؛ چنان‌که برخی از محققان پنج معنای لغوی برای این واژه ذکر نموده و بهترین وجه را، ضعف می‌دانند (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۵۸ - ۵۷).

معجزه در اصطلاح تعریف‌های متعددی دارد، از جمله:

خواجه نصیر الدین طوسی می‌گوید:

«هو ثبوت ما لیس ب معتاد او هو نفی ما هو معتاد مع خرق العاده و مطابقه الدعوی»؛ «ثبوت چیزی که عادی و رایج نبوده یا نفی چیزی که رایج و عادی بوده است؛ به گونه‌ای که خرق عادت و با ادعای آورنده آن سازگاری داشته باشد» (حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۷۷).

معجزه اثبات چیزی یا نفی چیزی است که معمولی نباشد؛ به صورت خارق عادت و مطابق مدعای (پیامبر). سیوطی در تعریف اعجاز چنین بیان می‌دارد:

«امر خارق العاده مقرون بالتحدی مصون عن المعارضة»؛ «امر خارق العاده‌ای که با مبارزه طلبی همراه بوده و از معارضه مصون باشد». (سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ص ۴ و ۳).

معجزه چیزی است که خارق عادت است که همراه تحدی و حفوظ از معارض باشد. آیت الله خوئی چنین می‌گوید:

«ان یاتی المدعی لمنصب من المناصب الالهیه بما یخرق نوامیس الطبیعه ویعجز عنه غیره وشاهد علی صدق دعواه»؛ «آنچنان چیزی که مدعی منصبی از مناصب الهی می‌آورد که با آن نوامیس طبیعت را خرق می‌کند و دیگران از آوردن آن ناتوان هستند و گواهی بر راستی ادعای وی است» (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۳).

معجزه آن است که مدعی منصبی از مقامات الهی چیزی بیاورد که قوانین طبیعی را رعایت نکند و دیگران از آوردن آن عاجز باشند و گواهی صدق مدعی او باشد. بنابراین معجزه عبارت است از: چیزی که مدعی منصب الهی (مثل پیامبر یا امام) می‌آورد و طبق قوانین عادی طبیعت نیست؛ ولی طبق ادعای شخص مدعی، واقع می‌شود و به آن تحدی می‌کند؛ در حالی که دیگران از آوردن مثل آن عاجزند و این مطلب شاهد صدق مدعی شود؛ اما اعجاز قرآن دارای ابعاد مختلفی است، مثل: اعجاز ادبی، اعجاز تشریحی، اعجاز در عدم اختلاف و... هر یک از آن ابعاد، اعجاز تاریخی قرآن است. مقصود از اعجاز تاریخی اخبار غیبی از حوادث اقوام گذشته یا پیش‌گویی از حوادث آینده است که در قرآن آمده و بعد از مدتی روشن شده است که آن خبرها درست است؛ اما این اخبار با وسایل عادی عصر نزول قرآن قابل دسترسی نبود و قبل از آن نیز کسی این اخبار را نگفته بود.

به عبارت دیگر اعجاز تاریخی قرآن نوعی رازگویی علمی است که در دانش تاریخ بروز یافته است؛ از این رو اعجاز علمی و اعجاز تاریخی قرآن هر دو زیرمجموعه اخبار غیبی قرآن قرار می‌گیرند. از تعاریف بالا و تعاریف دیگر (ر.ک. به: رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۶۱-۵۹) می‌توان چنین نتیجه گرفت که سه جهت در معجزه وجود دارد:

الف) جهت معجزه‌کننده (مدعی منصب الهی و تحدی کننده باشد و هدف اثبات امر محال نباشد).

ب) جهت معجزه (خرق عادت و گواه بر راستی ادعا باشد و از امور شرّ نباشد).
ج) جهت مردمی (بشر از آوردن آن ناتوان باشد) (رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ص ۶۳).

ب: تاریخ

گزارش‌های متعددی درباره واژه تاریخ بیان شده است. برخی اهل لغت مانند جوالیقی آن را غیرعربی دانسته‌اند (جوالیقی، المعرب، ص ۳۹) وعده‌ای چون جوهری آن را از ماده «الارخ» (به کسر و فتح همزه) می‌دانند (جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۲۰۰). صولی به کاربرد واژه برای تعیین زمان توسط قیسیان و تمیمیان اشاره می‌کند (صولی، ادب الکتاب، ص ۱۸۰) و این نشان می‌دهد که تاریخ واژه‌ای عربی است؛ نه معرّب «ماه روز» فارسی؛ چنانکه حمزه اصفهانی و ابوریحان بیرونی یادآور شده‌اند (اصفهانی، تاریخ سنّی ملوک الارض، ص ۸؛ بیرونی، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۲۹ و ۳۰).

زبیدی هم ذکر نموده که اختلاف در عربی یا غیرعربی بودن تاریخ، مشهور است (زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، ص ۲۲۶).

به نظر می‌رسد غیر دخیل بودن تاریخ قوی‌تر باشد؛ چنانکه دکتر جواد علی، مورخ معاصر عرب معتقد است تاریخ به معنای تعیین زمان برای عرب پیش از اسلام، مرسوم و شناخته شده بود و واژگان «وَرَّخَ، أَرَّخَ و توریخ» در عربی به کار می‌رفت (جواد علی، المفصل فی تاریخ قبل الاسلام، ج ۸، ص ۵۱۱).

معنای لغوی این واژه، بچه گاو وحشی می‌باشد و در وجه تشابه تاریخ با این معنا گفته‌اند که حدوث و پدید آمدن در هر دو کلمه به چشم می‌خورد؛ تولد بچه گاو هم نوعی حدوث است و وقایع تاریخی نیز حادث‌اند (ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴).

معانی مختلفی را که در مورد «تاریخ» بیان شده است، می‌توان در اعلام وقت یا بازشناساندن زمان کاری نسبت به مبدأیی که بیانگر حادثه‌ای بزرگ است یا

دوره‌ای معلوم میان زمان حدوث دو رویداد و واقعه یا نهایت و غایت چیزی و وقت انجام کاری، جمع کرد.

«تاریخ» را در اصطلاح چنین تعریف کرده‌اند: معلوم نمودن احوال، محل تولد و وفات انبیاء، امامان، وزراء، فرمان‌روایان، خلفاء، روایات،... و حوادث بزرگ مانند جنگ‌ها و فتوحات بر حسب زمان (سخاوی، الاعلان بالتویخ لمن ذم اهل التاریخ، ص ۱۷). به همین سبب کتب مشتمل بر این حوادث و احوال همراه با تعیین زمان آن‌ها، تاریخ نام گرفته است.

در اهمیت تاریخ و جایگاه آن، جدای از تأکیدها و بیان‌های قرآن (مانند: بقره/ ۱۳۴؛ اعراف/ ۳۴؛ رعد/ ۱۱؛ آل عمران، ۱۳۷؛ انعام/ ۱۸ و... ن.ک. به: لایوم، ژول، تفصیل الآیات القرآن الحکیم، ص ۱۳ و ۱۴) و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام (از جمله: اولیس لکم فی آثار الاولین مُزْدَجَرٌ وَفِیْ آبَائِکُمْ الْمَاضِیْنَ تَبْصِرَه (نهج البلاغه، خطبه ۹۹)؛ و اعتبروا بما قد رایتم من مصارع القرون قبلکم (همان، خطبه ۱۶۱) و...) همین بس که برخی تاریخ را با توجه به روایت مشهور «العلم علمان: علم الابدان و علم الادیان» تشبیه به علم طب کرده‌اند: البته با توجیه خاصی که ارایه نموده‌اند (زرین کوب، تاریخ در ترازو، ص ۱).

قرآن و تاریخ

تاریخ از جمله مباحثی است که در آیات قرآن اشاره‌هایی به آن شده است. قرآن کتاب هدایت و ایجاد تغییر مطلوب در انسان است و این تغییر مطلوب عبارت است از: «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره/ ۲۵۷)، که دو جنبه دارد:

۱. محتوای عمل تغییر که جنبه الهی، آسمانی و وحیانی دارد.
 ۲. تغییری که به دست پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصحابش انجام شده است.
- زمانی که جنبه دوم تغییر در عرصه تاریخی بررسی می‌شود، عملی انسانی است؛ بنابراین قوانین و ضوابط تاریخی بر آن حاکم می‌شود، پس هنگامی که قرآن از نگاه مردم سخن می‌گوید، جنبه دوم عمل تغییر را بررسی می‌کند. نمونه این مسئله را در ماجرای جنگ احد که واقعه‌ای تاریخی است، می‌توان مشاهده نمود (صدر، سنت‌های تاریخی در قرآن، ص ۱۱۴-۱۱۲).

درباره این وجه از اعجاز قرآن، روایاتی وارد شده که بیانگر وجود اخبار - اعم از تاریخی و غیر آن - در قرآن است که از برخی از این روایات می‌توان اخبار تاریخی را برداشت کرد:

«عن رسول الله ﷺ: كتاب الله تعالى فيه نبأ من قبلكم وخبر ما بعدكم وحكم ما بينكم» (ابن عطيه اندلسی، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ج ۱، ص ۳۶)؛ «در كتاب الهی اخبار قبل از شما و بعد از شما و داوری بین شما آمده است».

«عن اميرالمؤمنين عليه السلام: ذلك القرآن فاستنطقوه ومن ينطق ولكن اخبركم عنه: ألا إن فيه علم ماياتي والحديث عن الماضي ودواء دائكم ونظم ما بينكم». (صبحی صالح، نهج البلاغه، خ ۱۵۸)؛ «این قرآن است پس آن را به نطق درآورد و چه کسی را به نطق درآورد؛ ولی من خبر می‌دهم از آن که در آن اخبار آینده و گذشته و داوری درد شما و نظم و نظام شماست».

«عن ابوعبدالله عليه السلام: ان العزيز الجبار أنزل عليكم كتابه وهو الصادق البار، فيه خبر من قبلكم وخبر من بعدكم وخبر السماء والارض ولوأناكم من يخبركم عن ذلك لتعجبتم». (کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۹۷)؛ «خدای عزیز جبار کتابی برای شما نازل کرده، در حالی که راستگو و نیکو است. در آن اخبار پیشینیان و آیندگان و اخبار آسمان و زمین است و اگر کسی از آن به شما خبر دهد، تعجب می‌کنید».

در مورد تاریخ در قرآن، دسته‌بندی‌هایی ایجاد شده که برخی از آن‌ها از تسامح نیست یا در برخی از آن‌ها بین قصص انبیاء و داستان‌های قرآن و مباحث و گزارش‌های تاریخی با پیش‌گویی‌های تاریخی آمیختگی صورت گرفته است؛ در حالی که به نظر می‌رسد بین قصص و مباحث تاریخی و پیش‌گویی‌های آن، رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار باشد، چنان‌که برخی بین قصص و گزارش‌های تاریخی و اساطیر از دو جنبه کیفیت طرح وقایع و ناقل خبر، تفاوت قایل شده‌اند (اشرفی، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، ص ۱۲۱-۱۱۸).

پیشینه و نمونه‌ها

اخبار غیبی همواره در کتاب‌های دانشمندان اسلامی مورد توجه ویژه بوده؛ هرچند تا دوره معاصر از لفظ «اعجاز تاریخی» کمتر استفاده شده است. قاضی ابوبکر باقلانی، اخبار قرآن را به دو دسته تقسیم می‌کند:

۱. اخباری که هیچ راهی برای بشر در آگاهی از آنها وجود ندارد. اخبار غیبی زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این قسم جای می‌گیرد، مانند: سوره توبه / ۳۳ و ۸۸؛ آل عمران / ۱۲ و ۶۱؛ انفال / ۷؛ فتح / ۱۶۱؛ روم / ۴-۱؛ قمر / ۴۵؛ فتح / ۲۷؛ نور / ۵۵.
 ۲. آنچه پیامبر از قصص و اخبار کتب گذشته آورده است، مثل قصه ابراهیم، نوح و...، مانند: عنکبوت / ۴۸؛ قصص / ۴۴ و ۴۶؛ هود / ۴۹ (باقلانی، اعجاز القرآن، ص ۶۵-۶۲ و ۸۷-۸۵). سید مرتضی در اثر خود، نظر قائلان انحصار اعجاز قرآن در اخبار غیبی را رد می‌کند. (شریف مرتضی، الموضح عن جهه اعجاز القرآن (الصرفه)، ۱۲۴-۱۱۶). زرکشی در وجوه دوازده‌گانه اعجاز قرآن سه وجه زیر را در اخبار قرآن می‌شمارد:
 ۱. اخبار غیبی از آینده، مانند: فتح / ۱۶ و ۲۷؛ قمر / ۴۵؛ نور / ۵۵؛ روم / ۳.
 ۲. اخبار از قصص اولین و متقدمان، مانند: هود / ۴۹.
 ۳. اخبار از ضمایر افراد بدون ظهور قول یا فعلی توسط آن افراد، مانند: سوره انفال / ۷؛ مجادله / ۸؛ آل عمران / ۱۲۲ (زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۲۸). قرطبی ده مورد را در وجوه اعجاز قرآن، بیان می‌کند که دو قسم آن عبارت‌اند از:
 ۱. اخبار از اموری که از ابتدای دنیا تا وقت نزول قرآن وجود داشته‌اند، مانند قصص انبیاء و امم گذشته.
 ۲. اخبار از غیب که در آینده واقع می‌شوند و جز با وحی نمی‌توان به آن دست یافت، مانند: فتح / ۲۷؛ نور / ۵۵؛ انفال / ۷؛ روم / ۱-۴ (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۵۳-۵۴).
- به نظر می‌رسد که منظور از غیب در این نوع طبقه‌بندی‌ها چیزی پنهان از حواس ظاهری است؛ همان‌گونه که برخی از میان معانی غیب، معنی پیش گفته را بهترین معنا می‌دانند (انصاری زنجانی، ملاحم القرآن، ص ۷).
- در قسم دوم اخباری که قرطبی ذکر کرد، پس از گذشت زمان آن واقعه و رویداد، می‌توان آن را جزو وقایع تاریخی قرار داد. که بعد از اثبات، اعجاز تاریخی نام می‌گیرد.

علامه مجلسی دو دسته از اخبار غیبی قرآن را بیان کرده است شامل اخبار غیبی گذشته و آینده می‌شود (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۲۴).
 رشید رضا ضمن بیان وجوه هفت‌گانه اعجاز، یکی از وجوه را اخبار غیبی شمرده است که شامل قصص انبیاء، اخبار غیبی عصر نزول قرآن (مانند: روم/۱- ۵؛ فتح/۱۵، ۱۶ و ۲۷؛ حجر/ ۲۹؛ مائده/ ۶۷؛ نور/ ۵۵ و انعام/ ۶۵) و مسایل تاریخی که برای بشر مجهول است (رشید رضا، المنار، ج ۱، ص ۲۰۳، ۲۰۴ و ۲۱۰).
 رشید رضا در ذیل آیه مذکور می‌گوید:

«لفظ عذاب در این آیه نکره آمده و عموم از آن به دست می‌آید و این‌که عذاب را به صورت مبهم بیان داشته، به خاطر حکمت است و حکمت چنین ابهامی در این آیه، انطباق معنی آن لفظ با آن چیزی است که در آینده به وجود می‌آید، یا برای مردم کشف می‌شود».

وی چنین ادامه می‌دهد:

«تفسیر این آیه در زمان کنونی، جنگ اروپاست که زیر دریایی‌ها و هواپیماهای جنگی از پایین و بالا آتش می‌گسترانند. وی تفسیر آیه را چنین بیان می‌کند: «ولا شک فی ان دلالة الآية علی هذه المخترعات مراد» (رشیدرضا، المنار، ج ۷، ص ۴۹۱ و ۴۹۲)

البته این برداشت و تطبیق قابل بررسی است.
 علامه بلاغی در مورد اعجاز تاریخی می‌گوید:

«لانقول بذلك بمحض اخباره عن الحوادث الماضية والامم الخالية».

سپس مثال‌هایی برای اخبار غیبی قرآن ذکر می‌کند از جمله آیات حجر ۹۶-۹۴؛ صف/ ۹؛ روم/ ۵-۱؛ و مسد (بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۷-۴۱). این‌که مرحوم علامه بلاغی، صرف خبر دادن قرآن از اخبار امت‌های پیشین را دلیل اعجاز نمی‌داند، به خاطر تسلط ایشان بر مبانی و کتب مقدس یهود و مسیح است؛ چنان‌که این مطلب از آثار ایشان، همچون «الرحلة المدرسية» و «الهدی الی دین المصطفی» به روشنی به دست می‌آید؛ یعنی اخبار از

امت‌های پیشین هنگامی اعجاز تاریخی است که آن خبر را کسی یا کتابی قبل از قرآن بیان نکرده باشد؛ اما اگر اخبار تاریخی قرآن مثل تاریخ انبیاء و امت‌های پیشین، در تورات و انجیل آمده باشد، اعجاز قرآن به شمار نمی‌آید؛ البته سخن وی در مورد اخبار انبیاء و امت‌های پیشین است؛ نه پیش‌گویی‌های تاریخی قرآن؛ چنان‌که در قسمت نمونه‌ها خواهد آمد. شهرستانی (شهرستانی، المعجزه الخالده، ص ۱۰۸-۹۵).

آیت الله خوئی به آن دسته از اخبار غیبی قرآن که واقع شده‌اند، اشاره می‌نماید و می‌گوید تمام آن‌ها درست بوده‌اند و برای دریافت این اخبار غیبی، راهی جز وحی و نبوت نیست. وی به چند آیه زیر اشاره می‌کند:

۱- «وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ»؛ (انفال/۷) «و (به یاد آورید) هنگامی که خدا به شما، یکی از دو گروه [=کاروان تجاری قریش، یا لشکر آنان] را وعده داد، که آن برای شما باشد؛ و آرزو می‌کردید که [گروه] غیرمسلم برای شما باشد؛ و [لی] خدا می‌خواهد حق را با کلماتش [= وعده‌هایش] تثبیت کند و دنباله‌ی کافران را قطع سازد».

۲- «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ، الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»؛ (حجر / ۹۶-۹۴) «و آنچه را که (بدان) فرمان داده شده‌ای آشکار کن و از مشرکان روی برتاب، [چرا] که ما تو را (از شر) مسخره‌کنندگان، کفایت می‌کنیم، (همان) کسانی که معبود دیگری با خدا قرار می‌دهند؛ و [لی] به زودی خواهند دانست».

۳- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (صف/۹) «او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه‌ی دین [ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند».

۴- «غَلَبَتِ الرُّومُ، فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ»؛ (روم/۳-۲) «(سپاه) روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد، و [لی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد».

۵- «أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ، سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ»؛ (قمر / ۴۵ - ۴۴)
 «یا می گویند: «ما جماعتی پیروزیم.»؟!، به زودی جماعت (آنان) شکست می خورد
 و با عقب گرد روی برمی تابد».

۶- سوره مسد (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۶۷-۷۰).

علامه طباطبایی اخبار غیبی را دو دسته نموده:

۱. اخبار از قصص انبیاء و امت های پیشین، مانند: هود/ ۴۹؛ یوسف/ ۱۰۲؛

آل عمران/ ۴۴؛ مریم/ ۳۴.

۲. اخبار از حوادث آینده، مانند: روم/ ۲-۳؛ فتح/ ۱۵ و ۲۷؛ مائده/ ۷۰؛ حجر/ ۹.

وی آیات مربوط به ملاحم (همچون: انبیاء/ ۹۷-۹۵؛ نور/ ۵۵؛ انعام/ ۶۵؛ حجر/ ۱۹

و ۲۲؛ نبأ/ ۷) را در این قسم جای می دهد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱،

ص ۶۴-۶۵). برخی از محققان خبرهای قرآنی را سه دسته کرده اند:

۱. اخبار مربوط به آینده اسلام و مسلمانان.

۲. اخبار مربوط به آینده مسلمانان، همچون فتح مکه و ماجرای شکست

ایران از روم.

۳. اخبار مربوط به آینده معاندان. (دراز، النبا العظیم نظرات جدیدی فی

القرآن، ص ۵۷-۴۵).

با پژوهش بیش تر در قرآن، می توان گفت که این دسته بندی صحیح به نظر

نمی رسد؛ زیرا می توان موارد دیگری از اخبار را برشمرد که در این نوع

دسته بندی ها جای نمی گیرد؛ آن گونه که انصاری زنجانی در اثر خویش موارد

بسیاری از این اخبار را در قالب طبقه بندی های بیش تر ارائه کرده است (انصاری

زنجانی، ملاحم القرآن، ص ۱۰ به بعد).

یوسف حاج احمد اعجاز غیبی قرآن را در آیات مربوط به غزوه بدر، مرگ

ابی لهب، حفاظت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از توطئه قتل ایشان، فتح مکه، فتح قسطنطنیه،

هلاک قیصر و کسری و... بررسی کرده است (حاج احمد، موسوعه الاعجاز

العلمی فی القرآن الکریم والسنة المطهره، ص ۴۰-۲۰) وی اعجاز تاریخی قرآن را

در ماجرای طوفان نوح هم بررسی و با تورات و انجیل تطبیق کرده است (همو،

ص ۵۸-۴۱).

- دکتر مصطفی مسلم اعجاز غیبی قرآن را سه دسته کرده است:
۱. غیب گذشته: بیشتر به اعجاز قصصی قرآن اختصاص دارد.
 ۲. غیب حاضر: به دو دسته از آیات نازل در شأن یهود و شأن منافقان اشاره نموده است و در ضمن این دسته از آیات، اشاراتی به اعجاز تاریخی قرآن، مانند آیات ۴-۱ روم، ۵۵ نور، سوره مسد، فتوحات اسلامی و... می نماید.
 ۳. غیب آینده (دکتر مصطفی مسلم، مباحث فی اعجاز القرآن، ۲۸۸-۲۵۹).
- علاء الدین مدرس به بیان اعجاز تاریخی قرآن در اشاره به تاریخ گذشته می پردازد و داستان موسی و فرعون را ذکر می کند (مدرس، مباحثی پیرامون قرآن، ص ۷۸-۷۱).
- وی در فریده پنجم اثر خویش، به پیش گویی های قرآن اشاره و جنگ ایران و روم، سوره مسد، حروف مقطعه و بیانگر بودن آنها نسبت به وقایع مهم با توجه به حروف ابجد و... را به عنوان نمونه های از پیش گویی های قرآن یادآور می شود (همو، ص ۱۰۶-۸۷).
- ضیایی بیگدلی، اعجاز قرآن را از منظر اخبار غیبی سه قسم می داند:
۱. اخبار مربوط به وجود مبدأ غیبی عالم.
 ۲. اخبار مربوط به حوادث گذشته.
 ۳. اخبار علمی قرآن (ضیایی بیگدلی، قرآن کریم و دلایل اعجاز آن، ۲۷۸-۲۷۵).
- علامه معرفت اخبار غیبی قرآن را در سه دسته طبقه بندی کرده است:
۱. غیب گذشته، مانند: مریم و زکریاء، یوسف و برادران، نوح.
 ۲. غیب حاضر، مانند: آیات نازل در شأن یهود و آیات نازل در شأن منافقان.
 ۳. غیب آینده، مانند: تحدی قرآن، پیروزی اسلام، بر کفر، ماجرای ابولهب و... (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۲۱۰-۱۸۶).
- در پژوهشی دیگر اعجاز تاریخی چنین ترسیم شده است: قرآن از اخبار غیبی (تاریخی) خود جز به چند مورد محدود اشاره نکرده است (الشیخ الרכابی، السنن التاریخیه فی القرآن المجید، ص ۲۲-۲۰).

رویکردهای اخبار غیبی در قرآن

در مورد اخبار غیبی قرآن مرتبط با تاریخ، باید توجه کرد که قرآن به طور کلی در پی دو هدف بوده است:

۱. پیش‌گویی تاریخی: با عنایت به پیوند این پیش‌گویی به منبع وحی، کاملاً قابل اطمینان است و پس از وقوع این پیش‌گویی تاریخی، عنوان اعجاز تاریخی را به خود می‌گیرد؛ چنان که برخی در بررسی مباحث تاریخی قرآن، به این موضوع اشاره نموده و چنین پیش‌گویی‌هایی را در جهت اهداف تربیتی قرآن دانسته‌اند، مانند پیش‌گویی جنگ ایران و روم با پیروزی روم، فتح مکه. (جعفری، بینش تاریخی قرآن، ص ۶۱-۵۵). برای مثال دکتر محمد علی رضایی اصفهانی در تفسیر قرآن مهر برخی آیات را از اعجاز غیبی و تاریخی می‌شمارد؛ از جمله آیات آغازین سوره روم: «غَلَبَتِ الرُّومُ، فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ، فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ» (روم/۴-۲)، «(سپاه) روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد؛ و [لی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد. کار [ها] قبل از (آن شکست) و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز، مومنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می‌شوند».

شان نزول

حکایت شده است که هنگام حضور پیامبر ﷺ در مکه، جنگی میان ایرانیان و رومیان (دو ابرقدرت آن عصر) واقع شد و ایرانیان پیروز شدند. آیات فوق فرود آمد و پیش‌گویی کرد که رومیان در آینده‌ای نزدیک پیروز می‌شوند. این واقعه پس از چند سال به وقوع پیوست و بار دیگر حَقَانِیَّتِ پیامبر ﷺ و قرآن اثبات شد. (ر.ک. به: واحدی، اسباب النزول، ص ۳۵۴؛ نمونه بینات، ص ۶۱۰؛ شان نزول آیات، ص ۴۳۶، طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، حویزی، تفسیر نورالثقلین، رازی، تفسیر ابوالفتوح رازی، فخر، تفسیر و برخی تفاسیر دیگر نیز این شأن نزول را آورده‌اند؛ هرچند که برخی جزئیات حادثه (مثل ترجیح رومیان مسیحی بر ایرانیان زردشتی، جای بحث دارد؛ با آن که هر دو گروه مشرک بودند) و تطبیق حادثه بر سال‌ها دقت بیش‌تری می‌طلبد).

یکی از جهات اعجاز قرآن همان پیش‌گویی‌های تاریخی و اخبار غیبی آن است و آیه فوق را از این موارد شمرده‌اند (مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۵)؛ چرا که قرآن با تأکیدهای متعدد به طور قاطع پیش‌گویی می‌کند که رومیان پس از شکست، به زودی پیروز می‌شوند و حتی حدود سال‌های آن را پیش‌بینی می‌کند؛ این که این پیش‌گویی پس از چند سال به وقوع پیوست.

پیش‌بینی پیروزی قدرت‌های بزرگ، آن هم در عرض چند سال کوتاه و پس از شکستی سنگین، کاری دشوار است و با علم عادی ممکن نیست و حتی کارشناسان سیاسی و نظامی نیز در این موارد با احتیاط سخن می‌گویند. دولت ایران و روم در عصر پیامبر ﷺ دو ابرقدرت بزرگ جهان به شمار می‌آمدند و پادشاه ایران «خسرو پرویز» و پادشاه روم «هرقل» بود و جنگی بیست و چهار ساله بین آنان در گرفت. نخست سپاه ایرانیان به سرداری «شهربراز» و «شاهین» به قلمرو روم شرقی حمله کردند و آنان را به سختی شکست دادند؛ به طوری که منطقه شامات، مصر و آسیای صغیر را تصرف کردند.

این شکست در حدود سال ۶۱۶ میلادی (حدود سال ششم یا هفتم هجری) رخ داد (تولد پیامبر در سال ۵۷۱ میلادی و بعثت او در سال ۶۱۰ میلادی بود)، سپس پادشاه روم در سال ۶۲۲ میلادی تهاجم خود را به ایران آغاز کرد و ایران را ظرف شش سال شکست داد (مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۹)؛ بنابراین، شکست ایرانیان در حدود سال‌های اول تا ششم هجری بود و صلح حدیبیه نیز در سال ششم هجری واقع شد. محل درگیری سپاه ایران و روم و مکان شکست رومیان، در شمال جزیره‌العرب در سرزمین شام، نزدیک محل سکونت مردم مکه بود. برخی مفسران نیز احتمال داده‌اند که این مکان نزدیک‌ترین نقطه مرزی ایران و روم بود که شکست رومیان در آن نقطه اهمیت بیشتری داشت؛ چرا که اگر کشوری در نقطه مرزی و محل قوت خود شکست بخورد، به زودی قادر به جبران شکست نخواهد بود (ر.ک. به: طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۶۱). در این صورت پیش‌گویی پیروزی رومیان اهمیت بیشتری می‌یابد.

برخی از محققان نیز این بخش از آیه را یکی از موارد اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند؛ چراکه محققان علم جغرافیا دریافته‌اند گودترین و پایین‌ترین منطقه روی زمین «بحر المیت» (منطقه‌ای نزدیک فلسطین) است که جنگ ایران و روم در آن واقع شد و قرآن با تعبیر «ادنی الارض» (پایین‌ترین و پست‌ترین سرزمین) (واژه «ادنی» به معنای «نزدیک‌تر» و نیز به معنای «پست و پایین‌تر» به کار رفته است) به آن اشاره کرده است. (گلستان قرآن، ش ۱۷۶، ص ۵۱، به گزارش ایکننا به نقل از خبرگزاری «المحیط»). این مطلب می‌تواند یکی از شگفتی‌های علمی قرآن باشد؛ اما با توجه به این که واژه «ادنی» به دو معنا به کار رفته است و مطلب علمی ادعا شده نیز برای ما به طور قطعی ثابت نشده‌اند، نمی‌توان به طور قطعی گفت که این مطلب اعجاز علمی قرآن است.

«بضع» به معنای زمانی حدود سه تا نه سال است برخی نیز زمان ۳ تا ۱۰ و ۱ تا ۹ و ۶ تا ۹ را گفته‌اند (مکارم، همان، ج ۱۶، ص ۳۶۲). پیش‌بینی قرآن به صورت حدودی است؛ چرا که جنگ‌های آن عصر چند سال طول می‌کشید و در طول جنگ و پس از فراز و نشیب‌ها معلوم می‌شد چه کسی شکست خورده است. در این آیات بیان شده است که مؤمنان هنگام پیروزی رومیان خوشحال خواهند بود. این خود پیش‌گویی دیگری در این آیات است؛ چرا که هنگام پیروزی رومیان، صلح حدیبیه واقع شد که پیروزی بزرگی برای مسلمانان بود و آنان شادمان بودند.

این احتمال نیز هست که شادی مسلمانان به خاطر تحقق پیش‌گویی قرآن و اثبات حقانیت آن باشد (مکارم، همان، ج ۱۶، ص ۳۶۳). برخی نیز احتمال داده‌اند خوشحالی مسلمانان به خاطر پیروزی توحید بر شرک بود؛ ولی این بعید است چون ایرانیان و رومیان هر دو مشرک بودند (رضایی، تفسیر قرآن مهر، ج ۱۶، ص ۱۲۵-۱۲۳). در شان نزول آیات ابتدایی سوره روم چنین وارد شده است:

مشرکان و بت‌پرستان مکه بر مسلمانان طعنه می‌زدند که ملت روم که اهل کتاب بود و آیین آسمانی داشت، از ملت فارس که مشرک بود، شکست خورد؛ ما نیز بر شما مسلمانان پیروز خواهیم شد. در مورد این آیات روایات دیگری نیز وارد شده است که به شرط‌بندی و قمار با مشرکان اشاره دارد (طبری، تفسیر، ج ۲۱، ص ۱۱-۱۶؛ رازی، تفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۸۴ و ۸۵؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن

العظیم، ج ۳، ص ۴۲۶-۴۲۲؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۲۲۸؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۰) که توسط علامه طباطبایی نقد شده است (طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۴-۱۶۳؛ نیز ر.ک. به: فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ج ۱۸، ص ۹۷-۹۶).

از نکات قابل توجه آیات مطلبی است که علامه شعرانی بیان می‌کند:

«غلبه فارس بر روم ۶۱۶ م و غلبه روم در سال ۶۲۴ م بود که شکست قطعی بر لشکر (خسرو) پرویز وارد آمد و پیوسته سپاه روم پیش می‌رفتند تا در ۶۲۸ م به نزدیک مداین رسیدند. علت آنکه عدّه «سنین» را به تعیین ذکر نفرمود، آن است که در این گونه جنگ‌ها میان دولت‌های بزرگ، غلبه و مغلوبیت تدریجی است» (کاشانی، تفسیر کبیر منهج الصادقین، ج ۷، ص ۱۸۳).

کلام مرحوم علامه شعرانی، کلامی استوار است؛ زیرا مورخان به وقوع جنگ‌های بسیار میان ایران و روم اشاره نموده‌اند که در شکست‌های ایران در سال‌های آخر این جنگ‌ها، ضربات هولناکی بر ایران وارد آورد (سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۶۴۵).

نکته قابل توجه در سوره این است که با حروف مقطعه آغاز شده و برخلاف اغلب سوره‌هایی که با حروف مقطعه شروع شده‌اند، آیه پس از حرف مقطعه، سخنی از عظمت قرآن به میان نیاورده است، بلکه سخن از شکست رومیان و پیروزی آنهاست؛ اما با دقت روشن می‌شود که این آیات نیز بیان عظمت قرآن است؛ زیرا این خبر مربوط به اخبار غیبی و اعجاز تاریخی قرآن است (رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۵، ص ۸۴ و ۸۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۶۰ و ۳۶۱). دکتر محمد علی رضایی اصفهانی نیز در مورد آیه ۲۷ سوره فتح در تفسیر قرآن مهر می‌نویسد:

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمَنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَاتَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح / ۲۷)، «به یقین، خدا به فرستاده‌اش، در خواب، به حق راست گفت که اگر خدا بخواهد، قطعاً، با امنیت وارد مسجدالحرام می‌شوید، در حالی که سرهایتان را تراشیده و (یا) کوتاه کرده‌اید (و از کسی) نمی‌ترسید؛ و (خدا) می‌دانست آنچه نمی‌دانستید؛ و جز این، پیروزی نزدیکی (برای شما) قرار داده است».

شان نزول

پیامبر ﷺ در مدینه خواب دید که به اتفاق یارانش برای انجام مراسم عمره، وارد مکه می‌شود و این خواب را برای اصحاب خود بیان کرد و همه خوشحال شدند و گروهی تصور کردند این خواب در همان سال ششم هجری تحقق خواهد یافت. هنگامی که مشرکان در حدیبیه مانع ورود مسلمانان به مکه شدند، این گروه در مورد صحت خواب پیامبر ﷺ به تردید افتادند و پیامبر ﷺ گفت: مگر من به شما گفتم که این رؤیا همین امسال تحقق می‌یابد؟! آیه فوق هنگام بازگشت مسلمانان به مدینه، فرود آمد و تأکید کرد که رؤیای پیامبر ﷺ صادق است و قطعاً در آینده تحقق می‌یابد (نمونه بیانات، ص ۷۳۴ و ۷۳۵).

رؤیای پیامبر ﷺ یکی از اقسام وحی است و اجرای آن بر عهده پیامبر ﷺ است؛ همان گونه که در مورد ابراهیم و اسماعیل نیز اتفاق افتاد (در مورد رؤیا ر.ک. به: صافات / ۱۰۲؛ یوسف / ۴ به بعد).

این آیه یکی از پیش‌گویی‌های اعجاز‌آمیز قرآن است؛ زیرا با تأکید زیاد، به مسلمانان وعده می‌دهد که خواب پیامبر ﷺ در مورد داخل شدن شما به مسجد الحرام تحقق می‌یابد و این کار با کمال امنیت انجام می‌گیرد. طبق پیش‌گویی قرآن این عمره در سال بعد، (ذی‌القعدة سال هفتم هجری) انجام گرفت و به «عمره‌القضا» مشهور شد؛ زیرا قضای عمره سال قبل به شمار آمد که در اثر ممانعت مشرکان انجام نشده بود.

مقصود از «فتح قریب» همان پیروزی مسلمانان در جنگ خیبر بود که با فاصله کمی از صلح حدیبیه، اتفاق افتاد و یهودیان اطراف مدینه کاملاً سرکوب شدند. برخی مفسران فتح قریب را همان صلح حدیبیه می‌دانند؛ ولی این مطلب بعید است؛ چون فتح خیبر فاصله کم‌تری با تحقق عینی این خواب داشت و در آیه ۱۸ سوره فتح هم بدان اشاره شد (مکارم، تفسیرنمونه، ج ۲۲، ص ۱۰۴؛ تفسیر قرآن مهر، ج ۱۹، ص ۲۲۶).

۲. گاهی هدف قرآن، بیان سرگذشت امت‌های پیشین است که در این زمینه نیز اعجاز‌های تاریخی وجود دارد. مباحث باستان‌شناسی به یاری این بُعد شتافته

است و می‌تواند راه‌گشای مناسبی برای کشف اعجازهای تاریخی قرآن باشد. این مطلبی است که مورد تأکید عده‌ای از محققان قرار گرفته است (بی‌آزار شیرازی، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، ص ۶-۴).

از جمله این نوع اعجاز تاریخی قرآن، می‌توان به داستان یوسف و عزیز مصر اشاره نمود. نکته شایسته توجه این است که در سوره یوسف از فرعون نامی به میان نیامده است؛ حال آن‌که یوسف بیشتر ایام عمر را در سرزمین مصر گذراند و در این سوره در مواردی از لقب «ملک» برای پادشاهان مصر یاد شده است. این مطلب نشان‌دهنده اعجاز تاریخی قرآن است؛ چون یوسف در دوران حکومت «هکسوس» زندگی می‌کرد. که سلسله فرعون‌ها هنوز به وجود نیامده بودند و سلسله ملک‌ها وجود داشت. کشفیات «شامپلیون» در سرزمین مصر مؤید این مطلب می‌باشد (حاج احمد، موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم و السنه المطهره، ص ۴۲).

روایتی از امام سجاد علیه السلام هم در دست است که صحت این اعجاز را به نوعی تأیید می‌نماید (بستانی، قصص القرآن الکریم دلایلاً و جمالیاً، ج ۱، ص ۳۱۶). طی اکتشاف‌های باستان‌شناسی محل دقیق «کوه جودی» به دست آمده است. از این کوه در ماجرای کشتی حضرت نوح یاد شده است. کوه جودی جزو سلسله «کوه‌های آرات» و در کشور ترکیه قرار دارد (حاج احمد، همان، ص ۴۱؛ بی‌آزار شیرازی، همان، ص ۴۴). اعجاز تاریخی قرآن در واقعه اصحاب کهف نیز توسط اکتشاف‌های باستان‌شناسی تأیید شده است.

بر اساس اکتشاف‌های باستان‌شناسی در مناطقی که به عنوان محل‌های احتمالی غار اصحاب کهف ذکر شده، آنچه که در کشور اردن به دست آمده است با شواهد و مدارک قرآنی هماهنگی بیش‌تری دارد. این کشف باستان‌شناسی از جانب کاشف آن به عنوان معجزه‌ای از قرآن یاد شده است (حاج احمد، همان، ص ۴۳؛ بی‌آزار شیرازی، همان، ص ۱۹۵)؛ البته با توجه به ذکر داستان اصحاب کهف در منابع یهودی و مسیحی، پذیرش اعجاز تاریخی آن در قرآن مشکل است.

نتیجه

۱. بررسی اعجاز تاریخی قرآن به ویژه در مورد انبیاء و امت های پیشین با توجه به شرایط زمان حاضر، ضرورتی مهم است و می‌تواند گویای حقانیت اسلام و قرآن باشد.
۲. رابطه اخبار غیبی و اخبار تاریخی، عموم و خصوص من وجه است و توجه نکردن به این رابطه، سوء برداشت‌هایی در معرفی و بیان آیات مرتبط با اعجاز تاریخی قرآن را در پی داشته است.
۳. در اخبار غیبی قرآن دو رویکرد اساسی (بیان اخبار گذشته و پیشگویی اخبار آینده وجود دارد و هر دو در قرآن دیده می‌شود).

منابع

۱. ابن اعثم، احمد، كتاب الفتوح، تحقيق على شيرى، دارالاضواء، بيروت، ۱۴۱۱ق.
۲. ابن خلدون، عبدالحمّن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروين گنابادى، علمى و فرهنگى، تهران، ۱۳۶۲ش، ج ۴.
۳. ابن عطيه اندلسى، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، تحقيق عبدالسلام عبدالشافى محمد، دارالكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن فارس، ابوالحسين احمد، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، مكتبة الإعلام الإسلامى، (بى جا)، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، دار المعرفة، بيروت، ۱۴۰۲ق.
۶. ابن منظور، لسان العرب، نشر ادب الحوزة، قم، ۱۴۰۵ق.
۷. اشرفى، عباس، مقاييسه قصص در قرآن و عهدين، دستان، تهران، ۱۳۸۲ش، ج ۱.
۸. اصفهانى، حمزه، تاريخ سنى ملوك الارض، برلين، ۱۳۴۰ق.
۹. انصارى زنجانى، شيخ ابراهيم، ملاحم القرآن، بى نا، بى جا، ۱۴۰۰ق.
۱۰. باقلانى، ابى بكر محمد بن طيب، اعجاز القرآن، تصحيح محمد شريف سكر، دار الاحياء العلوم، بيروت، ۱۴۰۸ق، ط ۱.
۱۱. بستانى، محمود، پژوهشى در جلوه‌هاى هنرى داستان‌هاى قرآن كريم، ترجمه محمد حسين جعفرزاده، بنياد پژوهش‌هاى اسلامى آستان قدس رضوى، مشهد، ۱۳۷۱ش، ط ۱.
۱۲. همو، قصص القرآن الكريم دلاليًا و جماليًا، موسسه السبطين العالميه، قم، ۱۴۲۸ق، ط ۲.
۱۳. بلاذرى، أحمد بن يحيى بن جابر، فتوح البلدان، تحقيق: رضوان محمد رضوان، دارالكتب العلمية، بيروت، ۱۴۰۳ق.
۱۴. بلاغى، محمدجواد، آلاء الرحمان فى تفسير القرآن، تحقيق قسم الدراسات الاسلاميه موسسه البعثة، موسسه البعثة، قم، ۱۴۱۹ق.
۱۵. بى آزار شيرازى، عبدالكريم، باستان‌شناسى و جغرافياى تاريخى قصص قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، تهران، ۱۳۸۰ش، ج ۱.
۱۶. بيرونى، ابوريحان، آثار الباقيه عن القرون الخاليه، به كوشش ادوارد زاخائو، لايبزيك، بى نا، بى جا، بى تا.
۱۷. بيومى مهران، محمد، دراسات تاريخيه من القرآن الكريم، دارالنهضة العربيه، بيروت، ۱۴۰۸ق، ط ۲.

۱۸. پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ، ایران در اسلام، ترجمه کریم کشاورز، پیام، تهران، ۱۳۶۲ش، ج ۶.
۱۹. جعفری، یعقوب، بینش تاریخی قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش، ج ۲.
۲۰. جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، انتشارات شریف‌الرضی، بی‌جا، ۱۳۸۰ش، ط ۱.
۲۱. جوالیقی، ابومنصور، المعرب، ابومنصور جوالیقی، به کوشش ادوارد زاخائو، لایبزیگ، بی‌تا.
۲۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج‌اللغة وصحاح العربية، تحقیق احمد عبد‌الغفور عطار، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق، ط ۴.
۲۳. حاج احمد، یوسف، موسوعة الاعجاز العلمی فی القرآن‌الکریم والسنة المطهرة، مكتبة ابن حجر، دمشق، ۱۴۲۴ق، ط ۲.
۲۴. حسینی بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیرالقرآن، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه، موسسه البعثة، قم، ۱۴۱۷ق، ط ۱.
۲۵. حلّی، حسن بن یوسف، كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تعلیقات سید ابراهیم موسوی زنجان، موسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۹، ط ۱.
۲۶. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، انوار الهدی، بی‌جا، ۱۴۰۱ق، ط ۸.
۲۷. دراز، محمد عبدالله، النبأ العظیم نظرات جدیده فی القرآن، تخریج عبدالحمید الدخاخینی، دارطیبه، ریاض، ۱۴۲۱ق.
۲۸. رازی، فخر‌الدین، التفسیر الکبیر، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ق، ط ۱.
۲۹. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، دارالفکر، بیروت، بی‌تا.
۳۰. رشید رضا، المنار، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۴ق، ط ۲.
۳۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، کتاب مبین، رشت، ۱۳۸۰ش، ج ۱.
۳۲. همو، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن (منطق تفسیر قرآن)، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۲ش، ج ۱.
۳۳. زبیدی، محمد مرتضی، تاج‌العروس من جواهر القاموس، تحقیق محمد عبدالسلام هارون، مطبعة حکومت کویت، کویت، ۱۴۱۵، ط ۲، مصوره.
۳۴. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی و جمال حمدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۱۵ق، ط ۲.
۳۵. زرین کوب و دیگران، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، گردآورنده رن‌فرای، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵ش، ج ۵.
۳۶. زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش، ج ۴.

۳۷. همو، تاریخ در ترازو، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲ش، ج ۲.
۳۸. سخاوی، شمس‌الدین محمد، الإعلان بالتبیین لمن ذم اهل التاریخ، ترجمه صالح احمد العلی، دار الکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
۳۹. سن، کریستین، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، قصه پرداز، تهران، ۱۳۷۹ش، ج ۱۰.
۴۰. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، انتشارات رضی و بیدار، قم، ۱۳۶۷ش، ط ۲.
۴۱. شریف مرتضی، الموضح عن جهة اعجاز القرآن (الصرفه)، تحقیق محمد رضا انصاری قمی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۲ش، ط ۱.
۴۲. شهرستانی، سید هبه‌الدین، المعجزة الخالدة، ترجمه سید جعفر غضبان، بی تا، بی جا، ۱۳۳۲ش.
۴۳. الشیخ الרכابی، السنن التاریخیه فی القرآن المجید، مقدمه جعفر سبحانی، مکتب الاعلام الاسلامی، بی جا، ۱۳۷۱ش، ط ۱.
۴۴. صدر، سید محمد باقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سید جمال موسوی اصفهانی، انتشارات اسلانی، قم، بی تا.
۴۵. صولی، ابی بکر محمد بن یحیی، ادب الکتب، تحقیق محمد بهجه اثری، اشرف سید محمود شکر آوسی، دار الکتب العلمیه، بیروت، (بی تا).
۴۶. ضیایی بیگدلی، محمد حسین، قرآن کریم ودلائل اعجاز آن، دارالعلم، قم، ۱۳۷۸ش، ج ۱.
۴۷. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۳ق، ط ۳.
۴۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی و فضل‌الله یزدی طباطبایی، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۰۶ق، ط ۱.
۴۹. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری، مطبعة الکبری الامیریة، مصر، ۱۳۲۸ق، ط ۱.
۵۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۵۱. فضل‌الله، محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، درا الملائک، بیروت، ۱۴۱۹ق، ط ۱.
۵۲. قرطبی، ابی عبدالله محمد بن احمد الانصاری، الجامع لاحکام القرآن، تحقیق مصطفی البدری، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۰ق، ط ۱.
۵۳. کاشانی، ملافتح‌الله، تفسیر کبیر منهج الصادقین، تعلیق میرزا ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۴۴ش، ج ۲.

۵۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق قسم احیاء التراث مرکز بحوث دارالحدیث، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۷ش، ط ۱.
۵۵. لایبوم، ژول، تفصیل الایات القرآن الحکیم، ترجمه به عربی محمد فواد عبد الباکی، دار الفکر العربی، بیروت، ۱۳۷۴ق، ط ۲.
۵۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ط ۳.
۵۷. مدرس، سید علاء الدین، مباحثی پیرامون قرآن، مفید، تهران، ۱۳۷۳ش، ج ۱.
۵۸. مسلم، مصطفی، مباحث فی اعجاز القرآن، دار القلم، دمشق، ۱۴۲۴ق، ط ۴.
۵۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۶۰. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق، ط ۱.
۶۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ش.
۶۲. مولانی نیا، عزت الله و هاشم زاده، محمد علی، آشنایی با پایان نامه های قرآنی، فرهنگ سبز، تهران، ۱۳۸۶ش، ج ۱.
۶۳. نکونام، جعفر، چکیده پایان نامه های قرآنی، انتشارات رایزن، بی جا، ۱۳۷۸ش، ج ۱.
۶۴. نهج البلاغه، نسخه دکتر صبحی صالح، دار الهجره، قم، بی تا.